

حاشیه‌های اخیر سینما نتیجه‌ای جز فرسایش برای سرمایه اجتماعی ایران نخواهد داشت

سینمای ایران گرفتار رادیکال‌ها و بی‌تدبیری مدیران

صفحه‌های ۱۲ و ۱۳



در نقد واکنش‌های جناحی و حزبی به ماجرای فولادگیت فساد در قبیله ما فساد مبارک	«فرهیختگان» گزارش می‌دهد آنچه باید از نقل و انتقالات دانشجویی بدانیم	نسبت نظریه عدالت علامه حکیمی و نیازهای روز در یک‌سالگی درگذشت او کدام عدالت؟ کدام واقعیت؟
---	---	--

❧ یادداشت - ۱

تاملی بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در افغانستان

میراحمد رضا مشرف  ^{پژوهشگر بین‌المللی}

اظهارات و مواضع اخیر نماینده ویژه جمهوری اسلامی درمورد تحولات افغانستان و به‌ویژه جبهه مقاومت در روزهای گذشته جنجال‌هایی به پا کرده است. حسن کاظمی‌قمی اعلام کرد نسبت به اظهاراتش درمورد جبهه مقاومت سوءتعبیر شده و جمهوری اسلامی هرگز جبهه مقاومت را وابسته به آمریکا نمی‌داند؛ بااین حال نفس به‌وجود آمدن چنین جنجال‌ها و سوءتعبیرهای احتمالی را شاید بتوان به‌منزله هشداری برای تامل هرچه بیشتر در رویکرد سیاسی تهران در قبال تحولات افغانستان تلقی کرد. در این راستا جمهوری اسلامی ایران از ابتدای تسلط مجدد طالبان در افغانستان بر تشکیل دولتی فراگیر در این کشور تا کاید داشته و شناسایی هر دولتی در کابل را به همین موضوع منوط ساخته، اما نوع ارتباط تهران با طالبان و حاکمیت موقت تشکیل‌شده از سوی آنها از یک‌سو و چگونگی تعامل با مخالفان طالبان از سوی دیگر، تهران را در موقعیت و انتخابی دشوار قرار داده است. براساس این، تردیدی وجود ندارد که مواضع رسمی جمهوری اسلامی با درخواست‌های جناح‌ها و گروه‌های مخالف طالبان هماهنگی بیشتری دارد؛ چراکه هر دو طرف خواسته‌ای مشترک همچون برقراری یک دولت فراگیر در افغانستان را دنبال می‌کنند. اما از سوی دیگر در بازه زمانی یک‌ساله که از سلطه طالبان در افغانستان می‌گذرد، آنها نه‌تنها هیچ گونه انعطافی از خود در این زمینه نشان نداده‌اند بلکه با درپیش گرفتن رویکردهای سرکوب‌گرانه و گاه توأم با خشونت، هرگونه امیدواری برای تغییر در وضعیت فعلی را به یاس تبدیل کرده‌اند. بنابراین به نظر می‌رسد جمهوری اسلامی دو گزینه پیش‌رو خواهد داشت؛ نخست پذیرش تداوم شرایط فعلی که به معنی استمرار حکومت طالبان و صرف‌نظر کردن تدریجی از خواست تشکیل حکومتی فراگیر در این کشور خواهد بود. درصورت انتخاب این گزینه تکلیف جبهه مقاومت و نیروهای مخالف طالبان نیز تا حد زیادی روشن بوده و به‌طور طبیعی جمهوری اسلامی باید به دنبال راه‌های تعامل هرچه بیشتر با طالبان بر مبنای منافع سیاسی و اقتصادی خود باشد. اما

درصورت انتخاب گزینه دوم یعنی تداوم پافشاری برای تشکیل دولت فراگیر از سوی طالبان، به نظر می‌رسد رویکرد فعلی تهران در قبال تحولات افغانستان به برخی بازنگری‌ها نیاز داشته باشد.

در وهله اول باید در چگونگی تعامل تهران با جناح‌های مخالف طالبان و به‌ویژه جناح موسوم به جبهه مقاومت شفافیت بیشتری به وجود آید. درواقع تهران می‌تواند با اتخاذ رویکردی صریح‌تر و در چهارچوب نزدیکی سیاسی (و نه لزوما همکاری نظامی) با مخالفان، از ظرفیت سیاسی آنها برای اعمال فشار بیشتر به طالبان در جهت توجه به درخواست‌های ایران و جامعه جهانی بهره‌گیری کند. علاوه‌براین نزدیکی سیاسی بیشتر به جناح‌های مخالف طالبان ممکن است مزیت جانبی دیگری هم به‌همراه داشته باشد؛ این مزیت که احتمالا آنها را از کشیده شدن به سوی غرب و افتادن در دام و تله آمریکا باز می‌دارد.

اما در وهله دوم موضع تهران دربرابر شرایط سیاسی و امنیتی شیعیان افغانستان نیز باید شکل شفاف‌تری به خود بگیرد. در یک سال گذشته طالبان نه‌تنها شیعیان را در ساختار سیاسی حکومت موقت خود جای نداده‌اند بلکه حتی معدود شیعیان همراه خود، همچون مولوی مهدی را به حاشیه رانده‌اند. علاوه‌براین آنها تاکنون مواضع خود درمورد به رسمیت شناختن حقوق شیعیان در افغانستان را همچنان در ابهام نگه داشته‌اند. در کنار اینها طالبان در تضمین و تأمین امنیت شیعیان هم موفق نبوده‌اند، چنان‌که آخرین مورد آن در مسجد «صدیقی‌ها»ی کابل، نزدیک به ۱۰۰ نفر از نمازگزاران شیعه در جریان یک حمله انتحاری شهید و زخمی شدند. در چنین وضعیتی اتخاذ مواضع انفعالی در برابر طالبان یا نادیده گرفتن صورت‌مساله (همچون عدم پوشش کامل خبری چنین وقایعی از سوی مراجع رسمی) نه‌تنها کمکی به حل مشکلات نمی‌کند بلکه شرایط را برای ارتباطات آینده با جوامع شیعه افغانستان پیچیده‌تر خواهد کرد. درنهایت باید گفت تهران به اتخاذ رویکردی شفاف‌تر و تا حدی محکم‌تر در برابر طالبان نیاز دارد تا بتواند با اعمال فشار هرچه بیشتر بر آنها، راه را بر تحلیل‌هایی که میان رویکرد رسمی تهران و عملکرد آن شکاف قائل می‌شوند، ببندد.

شایان ابهری  ^{خبرنگار گروه سیاست}

شنبه‌شب بود که رسانه‌های اروپایی از انفجاری برنامه‌ریزی‌شده در نزدیکی مسکو، پایتخت روسیه خبر دادند. به گفته این رسانه‌ها، عامل انفجار، دستگاهی جاسازی‌شده در یک تویوتا لندکروز بود؛ البته بعد از مشخص شدن هویت مالک و راننده خودرو در چندبعد مورد توجه قرار گرفت. راننده این خودرو، به گفته رسانه‌های محلی و تأیید کمیته تحقیقات فدراسیون روسیه زن جوانی به‌نام داریا دوگینا بوده است. با مطرح شدن این اسم به‌طور گسترده آن هم در رسانه‌هایی که تا الان در پوشش تحولات جنگ اوکراین پیشقدم بوده‌اند، می‌توان به راحتی پیچیدگی این اتفاق را تأیید کرد؛ اتفاقی پیچیده و طراحی‌شده که نام‌خانوادگی قربانی آن، اصلی‌ترین عاملی است که نمی‌گذارد مخاطب به راحتی از کنار این خبر عبور کند. آنچه بیش از هر چیز در این انفجار توجه‌ها را به خود جلب می‌کند، نسبت داریا دوگینا، راننده لندکروز منفجرشده با مالک آن خودرو است.

به گفته منابع خبری، داریا که تنها جان‌باخته انفجار شنبه‌شب بوده، دختر ۳۰ساله الکساندر دوگین، اندیشمند مطرح روس است؛ شخصی که رسانه‌های غربی از او به عنوان فیلسوفی یاد می‌کنند که به دلیل دیدگاه‌های ضدغربی و نئو-اوراسیایی خود مشهور شده. علاوه‌بر این، طی سال‌های اخیر از دوگین تحت‌عنوان یکی از موثرترین مشاوران رئیس‌جمهور روسیه نیز نام می‌برند.

این انفجار برنامه‌ریزی‌شده در مقطعی که می‌دانیم درگیری روسیه در خاک اوکراین، محدود به مبارزه مسکو با دولت کی‌یف‌نمانده و به جنگی نیابتی و تمام‌عیار میان کشورهای اروپایی، آمریکا و روسیه تبدیل شده است، زیاد دور از انتظار به نظر نمی‌رسید. اما این سوزه ترور شامگاه شنبه بود که علاوه بر غیرمنتظره بودن، گمانه‌زنی‌هایی را هم درباره آینده جنگ اوکراین مطرح کرد؛ گمانه‌زنی‌ها و تحلیل‌هایی که خبر از تغییر فاز جدی در جریان درگیری‌ها میان مسکو و دیگر پایتخت‌های اروپایی می‌داد. درخصوص آن وجه طبیعی و موردانتظار روی آوردن روسیه و اوکراین به برنامه ترور می‌توان گفت دولت‌های درگیر با استفاده از این ابزار و حذف مقامات نظامی و سیاسی طرف مقابل، علاوه‌بر تحمیل خسارت، ابزارهای قدرت خود در مواجهه با دشمن را هم در سطح گسترده به نمایش می‌گذارند. می‌توان تداوم این سیاست از سوی طرف‌های مقابل کرم‌لین را برنامه‌ای دانست که با گسترش دامنه ناامنی به شهرهای کوچک و بزرگ روسیه، نیروهای نظامی این کشور را از تداوم عملیات‌های نظامی و پیشروی در خاک اوکراین منصرف کرده و مجبور به پذیرفتن آتش‌بس کند. اما انفجار و ترور هدف‌دار شنبه‌شب رانمی‌توان صرفا وسیله‌ای برای ناامن نشان دادن مسکو تلقی کرد. نکته متمایزکننده این ترور از سایر موارد اینچنینی همانطور که پیش‌تر گفته شد، سوزه‌ای است که در این انفجار مورد هدف قرار گرفت؛ دختر یکی از نزدیک‌ترین متفکران روس به ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور این کشور.

می‌توان گفت این ترور دقیق آن هم در چند کیلومتری پایتخت روسیه، برای رصدکنندگان

پیام اقدام جوخه ترور زلنسکی

تحولات چندماه اخیر میان کشورهای شرق اروپا چند پیام روشن دارد: پیام‌هایی برای کرم‌لین و همین‌طور پیام‌هایی برای تحلیلگران جنگ شکل گرفته میان مسکو-کی‌یف که حالا به ششمین ماه خود نزدیک می‌شود. درگیری نظامی خون‌باری که درباره طرف‌های سهیم در آن دیگر نمی‌توان ادعا کرد صرفا محدود به دولت‌های روسیه و اوکراین بوده است. پیام نخست که بیش از هر چیز کرم‌لین را مخاطب قرار می‌دهد آن است که تداوم پیشروی نظامی ارتش این کشور در اوکراین مساوی با حوادث غیرمنتظره مشابه خواهد بود. به این معنا که چنین اقداماتی در نظر دارد مسکو را به این جمع‌بندی برساند که ادامه‌دار بودن عملیات علیه تمامیت‌ارضی اوکراین، به تکرار ترور خسارت‌بار افرادی ختم خواهد شد که پیش از آن انتظارش را نداشته‌اند.

پیام دیگر این ترور، با توجه به اینکه قتل الکساندر دوگین، فیلسوف و ایدئولوگ برجسته روس -که اتفاقا در فهرست تحریم‌های آمریکا هم قرار دارد- را دنبال می‌کرد، زمانی راحت‌تر فهم می‌شود که تحولات حدودا ۶ ماهه جنگ اوکراین را از زاویه دید تمدنی مورد بررسی قرار دهیم؛ زاویه دیدی که پیش از ترور الکساندر دوگین، قطع رابطه کلیسای ارتدوکس اوکراین با روسیه را پیش چشم مخاطب قرار می‌دهد. مساله‌ای که در اوج اختلافات غرب و روسیه در دوره ریاست جمهوری اوباما بر آمریکا هم اتفاق نیفتاده بود. اما با شروع حمله روسیه به شرق اوکراین، اعلام کرد با کلیسای مسکو قطع رابطه می‌کند. نکته دیگر درباره این کلیسای ارتدوکس آنکه طی چند سال اخیر و با وجود همه فرازونشیب‌های موجود در روابط روسیه و کشورهای غربی، به‌طور سنتی با پوتین همزیستی مسالمت‌آمیزی داشته اما جنگ اوکراین این سنت را هم دستخوش تغییرات اساسی کرد؛ تغییراتی اساسی که هدف قرارگرفتن متفکران روس را هم می‌توان در این پازل تفسیر کرد.

در میان واکنش‌های ترور شنبه‌شب، اظهارات دنیس پوشیلین، رهبر جمهوری خلق دونتسک (یکی از مناطق جدایی طلب) بود که پیش از هر چهره دیگری رسانه‌ای شد. او با استفاده از لفظ «تروریست‌های اوکراینی»، قتل دختر دوگین را مستقیما به دولت اوکراین نسبت داد و نوشت «تروریست‌های رژیم اوکراین سعی کردند الکساندر دوگین را از بین ببرند اما دختر او در خود رو بود و او جان خود را از دست داد. روحش شاد. او یک دختر روسی به تمام معنا بود..» وزارت خارجه روسیه هم به‌طور تلویحی، با استفاده از تعبیر «سیاست تروریسم دولتی کی‌یف» دولت اوکراین را طراح این ترور دانست. موضعی که دولت اوکراین آن را ادعا خواند و به کلی رد کرد.

درنهایت بایدمنتظر ماند و دید آیا این ترور و تحولات مشابه آن، می‌تواند آغازکننده بعدجدیدی از درگیری میان مسکو و پایتخت‌های اروپایی باشد یا طرفین را به مذاکره و استفاده از دیگر ابزارها وامی‌دارد؛ ابزارهایی که کشورهای درگیر در نتیجه آن، مصون نگه‌داشتن متفکران خود را دنبال کرده و مقامات طرفین را بیش از قبل به تلاش برای رسیدن به آتش‌بسی بلندمدت و پایدار مجاب می‌کند.

یک زمستان با کولبرها

نوشته صادق امامی خبرنگار روزنامه فرهیختگان روایتی دست‌اول و تکان‌دهنده از همراهی با کولبرها در نقطه صفر مرزی

برای تهیه این کتاب با شماره ۶۱۹۴۲ (انتشارات سوره مهر) تماس بگیرید

مضمون

@radiomazmoon



رادیومضمون

کاری از گروه پادکست‌های

همیشه در میان روزنامه فرهیختگان

